

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار مترجم
۱۳	متن رساله‌ی فُتُن
۶۳	نت نوشته‌ها
۲۱۶-۷۴	نسخه‌ی دست‌نویس

مصقال

مصقال سازی نیست که تازه اختراع شده باشد. قدما، که علی‌الخصوص آن را وقف رب‌النوع پان کرده بودند، آن را می‌شناخته‌اند. این همان سازی است که ویرژیل^{۶۳} در یکی از اگلنگ‌های خود از آن سخن گفته و تَنکُریت پیش^{۶۴} از او آن را ذکر کرده است. این یک هفت لوله برای آن بر شمرده است و آن یک نُه. لیکن امروزه عدد لوله‌ها تا بیست و دو رسیده است که مجموعاً سه اکتاو می‌سازند.

لوله‌ها از خیزران‌اند و نه، چنانکه [118] ویرژیل گفته، با موم،^{۶۵} بلکه با چسبی قوی و داخلی قطعه‌چوبی خمیده که حکم پایه را دارد به هم متصل می‌شوند. این نیز هست که در بیخ هر لوله قشری از موم نهاده‌اند تا منافذ را به دقت مسدود و از خروج نَفخ ممانعت کنند. شاید این بوده آنچه ویرژیل نیتِ توصیف آن را داشته است. علی‌ای حال، شکی نیست که ساز همان است. اشتقاقِ نام عربی نیز دلیلی است بر این مدعا؛ چه مصقال از فعلی مشتق شده که به معنای سائیدن است، از آن سبب که فی‌الواقع می‌بایست لب‌ها را هنگام نواختن بر آن سائید و این همچنین همان مثلی شاعر لاتین است: *calamis trivisse [labellum]*^{۶۶}

هر لوله‌ی مصقال نغمه‌ای علی‌حده ایجاد می‌کند. اولی یگانه است، دوئیمی [119] عشیران، سیّمی عراق، و قس علی‌هذا تا انتها. هیچ‌کدام از لوله‌ها به ایجاد نیم‌برده‌ها تخصیص ندارد. می‌بایست نوازنده، با کم یا بیش پرکردن لوله، آنها را ایجاد کند؛ کاری که هنر و ممارست بسیار می‌خواهد تا هیچ‌به‌خطا دمیده نشود و هیچ صوت ناقصی مستخرج نگردد. گاه، برای تخفیف این دشواری نزد مبتدیان، گلوله‌ی خُردی از موم دارند که در لوله‌ای که می‌بایست، فی‌المثل، پمّلی ایجاد کند می‌افکنند و سپس آن را خارج می‌کنند. این گلوله که باید قطری کوچک‌تر از قطر

63. *Est mihi disparibus septem compacta cicutis / fistula.* (Ch. F.), [Ecloga II, Vers 36/37, s. Vergil: *Eclogues*. Ed. by Robert Coleman. Cambridge etc.: Univ. Press 1977, S. 47] (E. N.)

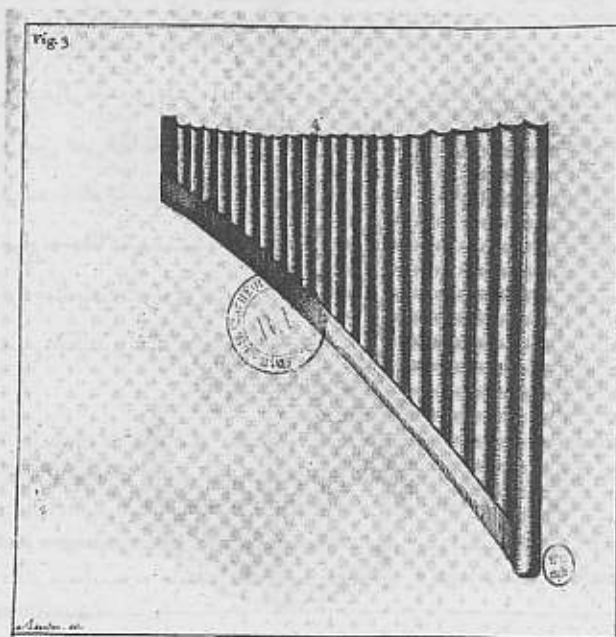
۶۴ در دست‌نویس *devant* آمده است که به *avant* تصحیح شد. (ا. ن.)

۶۵ *Pan primus calamos cerā conjungere plures/institut* (ش. ف.) [مصرع‌های ۳۲ و ۳۳. فُشَن متن را براساس نسخه‌ی زمان خود ذکر کرده است؛ در چاپ‌های انتقادی فعلی *primus = primum* و *plures = pluris* است. s. R. Coleman, a. a. O.] (ا. ن.)

۶۶ اینجا هم به جای *calamis*، که در نسخه‌ی چاپی زمان فُشَن (ed. M. Chr. Juncker, Frankfurt: Weidmann) آمده است، *calamo* بخوانید. تلاش فُشَن برای یافتن اشتقاق عربی کلمه موفق نبوده است (مصقال مصحّف موسیقار است). (ا. ن.)

لوله داشته باشد، فاصله‌ای حول دیواره‌ی لوله ایجاد می‌کند که از خلال آن هوا می‌تواند گذر و گلوله‌ی موم را احاطه کند. علی‌هذا، گلوله چون ابدأ ارتجاع نمی‌پذیرد [120]، هوایی را که بر آن می‌زند کند کرده با تقلیل ارتعاشات آن از تیزی و جدت صوت می‌کاهد. مع ذلک، حاصل عمل، بیش از هر چیز، تابع نفع نوازنده است که هنرش پیوسته نقائص دیگر را جبران می‌کند. می‌بایست از این هنر نصیب بسیار داشت تا بتوان این کمیت عظیم از نعمات ریز و پرده‌گردانی‌هایی را که شرقی‌ها در موسیقی خود دارند محسوس ساخت.

مصقال در دو اندازه‌ی مختلف وجود دارد. یکی به شاه‌منصور موسوم است و دیگری به کوچک‌منصور. اولی بیش از دومی لوله دارد و لوله‌های آن نیز بزرگ‌ترند و به این سبب صوتی بم‌تر و با حدت کمتر ایجاد می‌کنند. این تفکیک در دو آلت از آلات ذوات النفع، که نی و مصقال‌اند، یافت می‌شود تا آواز [121]، که می‌بایست آنها را همراهی کند و اغلب در بسیاری اشخاص نمی‌تواند تا نغمه‌ی کوچک‌منصور برسد، لیکن همواره به راحتی بم‌ترین نغمه‌ی شاه‌منصور را تعاقب می‌کند، تسهیل شود. آلات ذوات‌الآوتار، که به دلخواه بم و زیر می‌شوند، چنین تفکیکی به دو دسته ندارند. علت آن آشکار است. [شکل ۴ = 122]



شکل ۳. مصقال